بسمه تعالی

سواد و بیسوادی

Litercay and Illiteracy

انسان در علم مقلد خداست

نادر حسن زاده

تاریخ نشر ۱۳۹۹/۴/۲۴. تاریخ ششمین نسخه بازبینی به صورت نوشته بلند (۱۴۰۳/۷/۱۹)

hasanzadehr@yahoo.com

مشکل مملکت سواد است. مشکل بی سوادان هم سواد است. بی سوادی مشکل جهان سوم است. تا بیسوادها هستند تهمت بیسوادی به دیگران هم هست. زیرا این دو مثل جن و بسم الله هستند. کار باسواد پختن است. کار بی سواد خوردن است. باسواد دزد نیست. بی سواد دزد قهار است. معیار ایمان، سواد است. معیار شایسته سالاری هم ایمان است. معیار وطن پرستی هم ایمان است. پس ایمان سواد است. سواد هم ثواب است. بدین ترتیب، جای بزرگان نشستن نهایت بی سوادی است. بی سواد مخرب است زیرا مغز و نغز ندارد. نقص دارد. آنهم از نوع شدیدش. بی سوادی در خانه است. با سوادی تا چین است. چین ماچین سواد نیست. سینه داری علم است. سینه فراخ داری حلم است.

علت تبدیل نوشته قبلی به فرمت فعلی، مقایسه تعاریف خود با تعریف جدید سازمان یونسکو از سواد و بیسوادی است.

سواد و بیسوادی

در تقویم مغرب زمین روز ۸ سپتامبر برابر با ۱۷ شهریور روز جهانی سوادآموزی است.



روز ۸ سپتامبر برابر با ۱۷ شهریور روز جهانی سوادآموزی

این روز ۵۵ سال پیش (۱۳۴۴ ه. شمسی برابر با ۱۹۶۵ میلادی) به ابتکار و پیشنهاد ایران در سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) به تصویب رسید و امروز در تقویم های رایج کشور به این مناسبت مهم اشاره نمی شود. همچنانکه به روز عدد پی (π) اشاره نمی شود (مراجعه شود به نوشته عدد پی (π) بهتر از این دارم من،۱۳۹۹ در همین سایت).

هرچه انسان طالب علم باشد علم از او دورتر می شود. طالب علم همیشه علم را قطره چکانی می آموزد. زیرا علم پایان ناپذیر است. منشا علم خداست. علم خدا مطلق است. لایتناهی است. **انسان در علم مقلد خداست.**

همه کشورها مزیت های علمی خاص خود را دارند. امروز غرب پیشتاز علم است. دنیای علم است. زیرا همه نخبگان کشورها را در خاک خود و در دانشگاه ها و موسسات علمی خود یکجا دارند.

قرنهاست مشکل مملکت ما سواد است. مشکل بی سوادان هم سواد است. بی سوادی مشکل جهان سوم است. تا بیسوادها هستند تهمت بیسوادی به دیگران هم هست. زیرا این دو مثل جن و بسم الله هستند. کار با سواد پختن است. کار بی سواد خوردن است. با سواد دزد نیست. بی سواد دزد قهار است. معیار ایمان، سواد است. معیار شایسته سالاری هم ایمان است. معیار وطن پرستی هم

سواد و بیسوادی

ایمان است. پس ایمان سواد است. سواد هم ثواب است. بدین ترتیب، جای بزرگان نشستن نهایت بی سوادی است. بی سواد مخرب است زیرا مغز و نغز ندارد. نقص دارد. آنهم از نوع شدیدش. بی سوادی در خانه است. با سوادی تا چین است. چین ماچین سواد نیست. سینه داری علم است. سینه فراخ داری حلم است.

برای اینکه مشکل سواد حل شود لازمست تعریف جدید، صحیح، دقیق و جهانشمول از سواد ارائه گردد (در ادامه بحث به تعریف جدید یونسکو خواهم پرداخت. هنگامیکه این بخش از متن در تیرماه ۱۳۹۹تهیه و ارائه شد من به تعاریف دیگر بی توجه بودم و طبق علم و تجربه خود به آن پرداختم):

سواد مجموعه آموخته ها نیست. مجموعه اندوخته هاست. مجموعه دریافت هاست. مجموعه انسانیت است. مجموعه بشارت است. مجموعه رهیافت هاست. جامدادی سواد نیست. همچنانکه جا کفشی کفش نیست. دکتر شدم سواد نیست. مدرک دارم سواد نیست. کرسی استادی دارم سواد نیست. اینقدر کتاب و مقاله دارم سواد نیست. اینقدر منبر رفتم سواد نیست.

سواد آن است تو را آدم کند. شکر گزار کند. مردم دار کند. حق طلب کند. حق باور کند. جان بر کف کند. دلسوز کند. معترف کند. آماده توبه کند. مهتدی کند. معتکف کند. سجاده نشین کند. مستقیم کند. از گناه منزجر کند. از ثواب مستطیع کند.

سپهداری علم است. نگهبانی علم است. با وجدانی علم است. رفع نواقص علم است. مسئولیت علم است. با نبی و علی بودن علم است. شهر علم بودن علم است. من بدانم نمی دانم علم است.

فردوسی عالم است. مثنوی عالم است. مشتری عالم است. سرا پا علم بود عالم است. خدمتگزار، عالم است. به سمت روشنائی رفت عالم است. نور بود عالم است. زور بود که کافر است. کور بود که غاصب است. جلو نبرد که قفل است. از ریال گفت که کاسب است. از پز گفت که شایق است. در غرب ماند که غایب است.

اما در کلاس ماند عاشق است. در عشق ماند عارف است. با مشق ماند مشفق است.

قبول کنیم سطح سواد دنیا بالاست. سواد ایران کم است. فرزندان ایران خوب آموزش نمی بینند. رودی نمی بینند که در آن شنا کنند. بالی نمی بیند که با آن پرواز کنند. روحی نمی بینند که با آن به کمال برسند. هر روز اگر با یک دسته گل به سراغ دانشجوی مشتاق رفتیم مردیم- مستیم- محویم. دانشجوئی که مدرک خواست دانشجو نیست. استادی که برای رفع تکلیف درس داد استاد نیست. روحانی هم که روح نداشت ماده خشک است.

اگر روزی دنیا سراغ علم ایران را گرفت ایران عالم است. دنیا نوآوری می خواهد در شرایط فعلی ایران این گوهر کمیاب است. زیرا کوچ ایرانیان زیاد است.

سواد و بیسوادی

بدانیم اگر ایران پر از رازی است، راضی است و گرنه ناراضی است.

مدام این گفته است او بی سواد است

به خود مدرک دهد گوید سواد است

به خلق بهتان زند گوید سواد است

به دست گیرد سواد گوید سواد است

کتاب بر پشت خود گوید سواد است

به ده رفتم نگفت او با سواد است

به شهر دیدم کتاب گفتند سواد است

تو را گویم چه کس هم با سواد هم بی سواد است

کسی مذهب نداشت او بی سواد است

کسی مردم شکست او بی سواد است

به خط گوساله داشت او بی سواد است

کسی دامن نداشت او بی سواد است

کسی پیشرفت نکرد او بی سواد است

نشاند مه پیکری او با سواد است

نشست بر زورقی او با سواد است

به عمر رونق نداشت او بی سواد است

به مشق عادت نکرد او بی سواد است

سواد و بیسوادی

صدای پای توست یک بی سواد است

دهان روزه دار یک با سواد است

غرض صدها نشان از یک سواد است

نشان از خود بده این یک سواد است

اگر همسر نبود اولاد نبود او بی سواد است

اگر مکتب نبود مذهب نبود او بی سواد است

کسی سد کرده ره او بی سواد است

کسی بیشتر نداشت بیشتر نخواست او با سواد است

یکی از صد سواد او با سواد است

سواد عاقبت حتما سواد است

ثواب آخرت بر من سواد است

پس از انتشار مطلب فوق آقای مهندس جواد زیار از من خواستند بیشتر از سواد بنویسم. اطاعت امر کردم تکمله زیر را با آه و حسرت ویژه بر آن افزودم:

ارزش انسان به داشتن سلولهای خاکستری مغز اوست. هرچه خاکستری تر انسان تر، هر چه صیقلی تر صیقل خورده تر.

محل صیقل خوردن این سلولها کجاست؟ قاعدتا نزد استاد اما کدام استاد؟ استاد دانشگاه یا استاد کار؟ بیشتر مواقع اساتید مدارس و دانشگاه ها. در امور دینی اساتید بنام، انبیای بنام هستند. خارج از این حوزه هر کسی می تواند استاد دیگری باشد، راهنمای دیگری باشد. ژنها در دانشگاه ها مجتمع نیستند. ژنها در بیرون دانشگاه ها هم به وفور یافت می شوند. آدم هائی که دو کلاس سواد ندارند اما حافظه فوق العاده قوی دارند که اگر فرصت می یافتند نابغه قرن خود می شدند. کاش می شد رنگ مغزها را دید، محک زد و برای آن قیمت گذاشت.

قیمت مغز انیشتن چقدر باشد خوب است؟ فرق دانا با نادان است. منطق قرآن برای نکشتن یک فرد بخاطر نسل او و حفظ ذخائر ژنی جامعه اوست. شاید امروز یک انسان معمولی چنگی به دل نزند اما نسل بعد از او شاید گنجینه چند ژن منحصر بفرد است. غربی ها هم از سهم ژنهای برتر خود که ۱٪ کمتر یا بیشتر است استفاده می کنند و هم از سهم ژنهای دیگر کشورها. در بین همین

سواد و بیسوادی

آواره های سوری و غیر سوری شاید میلیونها ژن برتر باشد. فرار مغزها فقط به دانشگاه ها محدود نمی شود. یک فرشباف، یک صافکار، یک کارگر پینه دوز و..هم می تواند یکی از این حاملان و حاویان ژنهای برتر باشد. اما چرا غربی ها بیشتر به دانشگاهیان مشتری هستند چون زحمت بیان اکثر و نه همه ژنهای آنها را دیگری کشیده است! مثل بزرگ کردن یک نهال که زحمت باروی آن با کسی است و چیدن میوه آن با کس و ناکسی است. اینکه در قدیم می گفتند دگران کاشتند ما خوردیم ما بکاریم دگران بخورند منظورشان از دگران، دگران خوری از ما بهتران است.

دور نیست انتخاب ها از روی ژن و نه بیان ژن باشد. کاش تا آن زمان این استعدادها در کشورهای خود می ماندند و در المپیادها و کنکورها رو نمی شدند!! اما چه کنیم که استعدادها مخفی کردنی نیستند! اکثرا روشدنی هستند. به مانند خانم ها که چهره خود را زیر چادر هم شده رو می کنند! اما در اینگونه موارد خود ژن به تنهائی مهم نیست.

بیان ژن از خود ژن هم مهم تر است. بستر آماده نباشد ژن بیان نمی شود. تغذیه کافی نباشد ژن بیان نمی شود. غربی ها هم ژن شرق را می برند و هم بهترین های مواد خام و پخته ایشان را! آثار باستانی ایشان را، محصولات کشاورزی ایشان را. عرضه بهترین میوه های شرق در بازار غرب تمام فصل است.

شرقی یکبار در عمرش خاویار نخورده، پسته بدون توکسین نخورده، انجیر درجه یک نخورده، انگور بیدانه یکدست نخورده، هرچه خورده درجه چندم بوده است چون درجه یک ها صادراتی است. چه این درجه یک ها انسان باشند و چه میوه انسان!

نتیجه: شرقی فکر می کند سود می کند بدون اینکه بداند ضرر مضاعف می کند. حیات و ممات و ذخایر ملی خود را می فروشد تا به پول یامفت برسد. وجوه مختلف آن می تواند تراکم فروشی باشد، نفت فروشی و نسل فروشی.

غذای مرده خوردیم

نخورده خانه بردیم

اگر گفتی چه خوردیم

کباب جوجه خوردیم

نمردیم جوجه خوردیم

کمی هم غصه خوردیم

دگر بار هم نمیریم

دگر بار هم نخیزیم

چرا چون زنده خوردیم

سواد و بیسوادی

کباب مرده خوردیم

بغایت قصه خوردیم

الهی زنده باشیم

به پوست البس بپوشیم

اگر ماندیم بپوشیم

اگر مردیم بکوشیم

که ما خوشبخت ترینم

به پول مدرک بگیریم

چرا مدرک نگیریم

مقام و منزلت با هم نگیریم

مگر جز این فروشند

منم آن را فروشم

بگو ارزان فروشم

بگو مدرک فروشم

بگو از دم فروشم

بگو هر دم فروشم

تو چی؟ از چند فروشی؟

کلاس چند چند فروشی؟

کتاب را چند فروختی؟

سئوال را چند فروختی؟

سواد و بیسوادی

مداد را چند فروختی؟

چرا بی من فروختی

بیا با هم فروشیم

همه با هم فروشیم

زمین را او فروشد

سما را ما فروشیم

تراکم هر کجا ما هم همانجا

انگیزه تکمیل مطلب سواد و بیسوادی در این بخش دریافت چند پیامک در اسفندماه سال گذشته و فروردین سال ۱۴۰۰ بود که باز مقداری از این دستخوش تغییرات در سال جاری (۱۴۰۳) لذا در ادامه بحث، مطالب مربوط به مقوله سوادی/بیسوادی را تا اواسط سال ۱۴۰۳ پوشش می دهم.





خیلی که دقیق شدم دیدم این تعاریف ساخته و پرداخته ایرانیان است. بد هم نیستند. مطلب را می رسانند.



نتوانید با آموخته هایتان تغییری در زندگی خود بدهید شما بی سواد هستید.

تعاریف و شعارهای روز جهانی سوادآموزی سازمان یونسکو در برگیرنده موارد زیر بوده و هست:

–سواد برای قرن ۲۱ در سال ۲۰۱۳،

–سواد و توسعه پایدار در سال ۲۰۱۴،

–سواد و جوامع پایدار در سال ۲۰۱۵،

–خواندن در گذشته، نگارش آینده در سال ۲۰۱۶،

–سواد در دنیای دیجیتال در سال ۲۰۱۷،

–سواد و توسعه مهارت‌ها (Literacy and Skills Development) در سال۲۰۱۸

– مهارت های قرن ۲۱ام (What Are 21st Century Skills?) در سال ۲۰۲۴ (iCEV)

در تعریف قبلی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) آمده بود:

مفهوم سواد امروز فراتر از مفهوم مرسوم سواد در گذشته نه چندان دور است. سواد در گذشته به مجموعه ای از مهارت های خواندن، نوشتن و شمارش اعداد (چهار عمل اصلی) اطلاق می شد. اکنون سواد به عنوان ابزاری برای شناسایی، درک، تفسیر، ایجاد و برقراری ارتباط در یک دنیای فزاینده دیجیتال است. وفور اطلاعات و سرعت انتشار و دستیابی مردم جهان به آن در دنیائی که همواره در حال تغییر است موجب دگرگونی ها و شگفتی های بسیاری خواهد بود.

سواد و بیسوادی



تعریف قبلی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو) و معرفی مهارتهای مورد نیاز دانش آموزان و دانشجویان.

در نشریات به روز شده یونسکو، تعاد مهارتهای قرن ۲۱ امی (21st Century skills) را به ۱۲ نوع سواد/مهارت/ توانائی افزایش داده اند و موکدا بر آن تاکید شده است: دانش آموزان/دانشجویان عصر اطلاعات باید برای موفقیت در حرفه خود آنها را کسب کنند.

اتفاقا دانشجونی که برای ادامه تحصیل با دانشگاه های مختلف مختلف مکاتبه می کنند و چند استاد را بعنوان معرف به دانشگاه های مورد نظر معرفی می کنند. پرسشنامه های ارسالی آن دانشگاه ها به معرف ها شامل موارد زیر است. این بدین معنی است که سرنوشت هر فرد با این معیارها عجین شده است.

ابتدا فهرست ۱۲ نوع سواد/مهارت/ توانائی:

۱. تفکر انتقادی (Critical thinking)
۲. خلاقیت (Creativity)
۳. همکاری (Collaboration)
۴. ارتباطات (Communication)
۵. سواد اطلاعاتی (Information literacy)

۶. سواد رسانه ای (Media literacy)

۷. سواد فناوری (Technology literacy)

۸. انعطاف (Flexibility)

۹. رهبری (Leadership)

۱۰. ابتکار (Initiative)

۱۱. بهره وری (Productivity)

۱۲. مهارت های اجتماعی (Social skills)

همه این ۱۲ مهارت در سه دسته زیر تقسیم شده اند تا هم تعریف جامع و هم توضیح کامل درباره همه مهارت ها دوازده گانه ارائه بدهند. اینجا من دسته ها را با سه رنگ مختلف به شرح بالا از هم تفکیک کردم:

۱. **مهارت های یادگیری (Learning skills)**

۲. **مهارت های سوادآموزی (Literacy skills)**

۳. **مهارت های زندگی (Life skills)**

توضیحات مربوط به هر یک از سه دسته فوق:

۱. مهارت های یادگیری (the four C's):

شامل مهارتهائی گروه اول می شود که اول حرف آنها با حرف انگلیسی C شروع می شود: تفکر انتقادی (Critical thinking)، خلاقیت (Creativity)، همکاری (Collaboration) و ارتباطات (Communication). این مهارتها به دانش آموزان در مورد فرآیندهای ذهنی مورد نیاز برای انطباق و بهبود با یک محیط کاری مدرن آموزش می دهد.

۲. مهارت‌های سوادآموزی (IMT):

شامل سواد اطلاعاتی (Information literacy)، سواد رسانه ای (Media literacy) و سواد فناوری (Technology literacy) می شود. این مهارتها کمک می کنند تا دانش‌آموزان بتوانند حقایق را، رسانه‌های مکتوب و فناوریهای مورد استفاده در آنها را تشخیص بدهند. مهارت های فوق بیشتر روی منابع و مراجع موثق و قابل اعتماد و نیز اطلاعات واقعی متمرکز است تا امکان تمییز اطلاعات سره از ناسره که کل اینترنت را چون سیل فرا گرفته است، برای دانش آموزان فراهم بیآورد.

۳. مهارت های زندگی (FLIPS):

سواد و بیسوادی

شامل ۵ مهارت: انعطاف (Flexibility)، رهبری (Leadership)، ابتکار (Initiative)، بهره وری (Productivity) و مهارت های اجتماعی (Social skills) است. این مهارت ها نگاهی ژرف بر عناصر ناملموس زندگی روزمره دانش آموزان دارد. این عناصر ناملموس و ناشناخته بر ویژگی های شخصی و بر کیفیت های حرفه ای نقش بسزائی دارند.

شایان ذکر است این یک چک لیست یا فهرست جامع و بی نقص از مهارت های آمادگی شغلی و استخدامی نیست. بلکه، تعدادی از مهارت های آمادگی شغلی هستند که با مهارت های قرن بیست و یکمی همپوشانی دارند.

✓ با توجه به مراتب فوق باید اذعان کرد:

مفهوم سواد امروز فراتر از مفهوم مرسوم سواد در گذشته نه چندان دور است. سواد در گذشته به مجموعه ای از مهارت های خواندن، نوشتن و شمارش اعداد (چهار عمل اصلی) اطلاق می شد. اکنون سواد به عنوان ابزاری برای شناسایی، درک، تفسیر، ایجاد و برقراری ارتباط در یک دنیای فزاینده دیجیتال است. وفور اطلاعات و سرعت انتشار و دستیابی مردم جهان به آن در دنیائی که همواره در حال تغییر است موجب دگرگونی ها و شگفتی های بسیاری خواهد بود.

✓ تعریف جامع سواد را در قرن ۲۱ ام به شرح زیر تبیین کرد:

شخصی باسواد تلقی می‌شود که بتواند با استفاده از خوانده‌ها و آموخته‌های خود، تغییری در زندگی خود ایجاد کند. در واقع این تعریف مکمل تعریف قبلی است زیرا صرفاً دانستن یک موضوع به معنای عمل به آن نیست. درصورتی‌که مهارت‌ها و دانش‌آموخته شده باعث ایجاد تغییر معنادار در زندگی شود، آنگاه می‌توان گفت این فرد انسانی باسواد است.

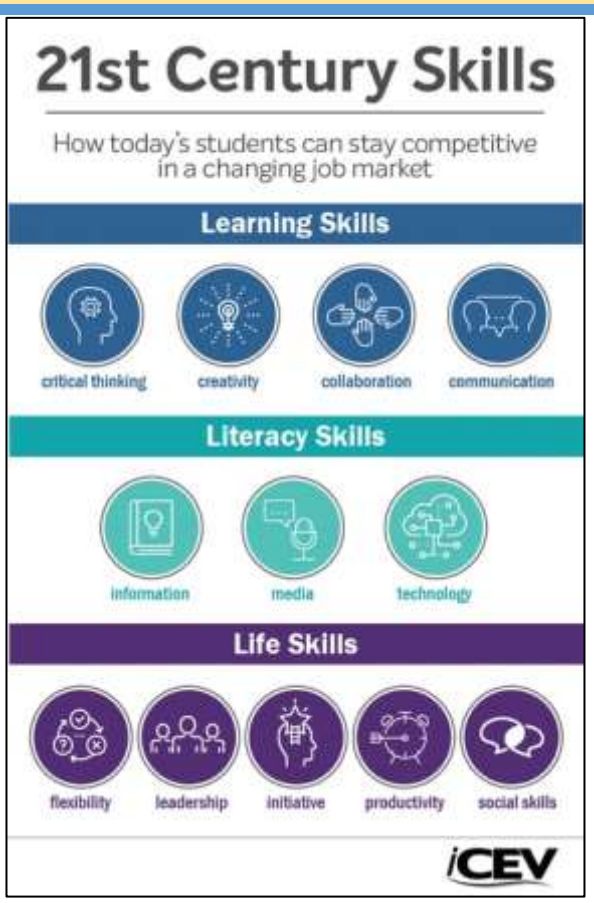

۱۲ مولفه و مهارتی قرن ۲۱ امی که به دانش آموزان/دانشجویان نسل جدید کمک می کند تا در بازار کاری که مرتب در حال تغییر و دگرگونی است، خود را در صحنه رقابت حفظ بکنند (What Are 21st Century Skills?) در سال ۲۰۲۴ (iCEV)

اما تعریفی که من از سواد دادم در بخش اول این متن آمد. امروز صبح در تکمیل متن فوق ابیات زیر را هم بر آن افزودم. در کل تعریف من از سواد یا هر پدیده دیگر صرفا جسمانی نیست. صرفا روحانی هم نیست. ما بین این دو است. مکتب اسلام و ایران و مشرب جهان رو به جلو هست. جز این، بیسوادی امثال داعش و طالبان است که قدرت را دوست دارند. اما سواد قدرت را ندارند. سواد اسلام را ندارند. سواد انسانیت را ندارند (مراجعه شود به نوشته من حمله تروریستی داعش به نماز جمعه شیعیان در ولایت قندوز، ۱۴۰۰ در همین سایت):

سواد

ادب داشتند سواد است

اثر داشتند سواد است

سواد و بیسوادی

سواد

داشتند سواد است

خوانا نخوان سواد است

ثواب کردند سواد است

سئوال کردند سواد است

گفتند سلام سواد است

داشتند پیام سواد است

اینجا آنجا سواد است

با علم روز سواد است

آن را که غم زیاد است

غم های او سواد است

جائی که بد بخندند

غمباد او سواد است

یک بی قلم ندیدم

دست های او دوات است

یک بی سفر ندیدم

احوال او سواد است

باید نشست دعا کرد

بر بی خرد دوا کرد

هر بیسواد نگوید

سواد و بیسوادی

او را مرا سواد است

دانش بنام دین است

دانش نه جای دین است

دیندار اگر خراب است

دین باخته است سراب است

در جهل و بیسوادی است

او را که گفت سواد است

یک تکه نان خشک است

یک باشگاه صلح است

جان را به کام خریده

خراط او سواد است

شاید صبا بگوید

انسان خوب سواد است

مولای ما سواد است

اصحاب او سواد است

در پیشگاه مولا

هر پیشکار سواد است

دانش (knowledge) بگو سواد است

حافظ بگو سواد است

سواد و بیسوادی

عادل بگو سواد است

غاصب مگو سواد است

غاصب بگو خضاب است

جامی بگو جواب است

ناهی بگو نظام است

آمر بگو امان است

یک بیسواد مطلق

یک بی جواب مطلق

یک بینوای مطلق

با هر کسی دعائی است

با من خدا سواد است

یک بیسواد نگوید

من را سئوال زیاد است

هر یک سئوال ثواب است

با هر سئوال جواب است

اما ثنا ثواب است

ایمان و دین سواد است

دیدم در این کنایت

سواد و بیسوادی

کل جهان سواد است

کل جوان سئوال است

بی سواد و با سواد بودن پیامبر(ص)

من از بیسوادی سواد بودم (علم لَدُنّی دانشی که از جانب خداوند و از راه‌های غیرعادی و بدون یادگیری، به برخی از انسان‌ها داده می‌شود)

من از بی کتابی کتاب بودم (قرآن)

من نخستین روز میلاد بودم

من از سواحل دریا بودم

من بنده خاص الله الصمد الله احد بودم

من در خاندان خود خواننده ترین بودم (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ – بخوان به نام پروردگارت که آفرید)

من خانقاه خود بودم

من عندلیب سخن بیکران خدا بودم

من را بشناس محمد رسول الله بودم

در شهر پیامبران برگزیده عالم بودم

راستگوترین مرد دنیا من بودم

او که از آسمان هفتم گذشت من بودم

آدم

در فکر نقوش آدم، در شعر شهود آدم

مکتب مقام آدم، محراب قنوت آدم

سواد و بیسوادی

در ذره گاه آدم، آدم نماد آدم

من نکته کم نگفتم مضراب، زبان آدم

اندیشه گر نتابد انسان مخوف آدم

مفتاح مفاد آدم، اخبار متاع آدم

هر یک سواد آدم، هر گام قوام آدم

از هر دوات آدم، ده ها سواد آدم

کشتی ندارد آدم، بردند به جای آدم

موسی نجات آدم، شهری بنام آدم

در قبله گاه آدم، یکتا خدای آدم

هر رگ اگر بکوشد گوید سلام آدم